

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۰۲۰۲۶ / ۸ / ۳۱

ن. جلیلزاد

وقتی جعل سند لباس حقیقت می پوشد

عدالت باید یخن داود ملکیار را بدرَد، نه نوازش کند!



تاریخ را نمی توان با قیچی عقده برید، داود ملکیار باید پیش از آن که دروغ هایش پوشیده شود، در برابر قانون ایستاده شود.

داود ملکیار باید بداند که هیچ جعلکاری تا ابد پشت پرده نمی ماند.

حقیقت، دیر یا زود، گلوی دروغ را می بُرد. آنچه او به نام «افشاگری» نشر کرده، نه سند است، نه شهادت، نه روایت، بلکه دروغ و جعل خام، تحریف عمدی، و دروغ حساب شده است. و این دروغ، نه فقط اخلاقاً ناپسند، بلکه

حقوقاً جرم است، جرمی که باید او را تا پای میز عدالت بکشاند و مجازات شود. شهادتی که ملکیار بر آن تکیه کرده، از نظر حقوقی، مرده به دنیا آمده است. شاهی که در حالت شوک بوده، زخمی بوده، مرمی در بدن داشته، وضعیت روانی اش مختل بوده، و هیچ مقام صلاحیت دار حقوقی شهادت را ثبت نکرده، در هیچ محکمه دنیا «سند» محسوب نمی شود.

این شهادت، مطابق اصول «صلاحیت شهادت»، فاقد اعتبار است.

داود ملکیار اما همین شهادت را به عنوان «افشاگری» عرضه کرده، افشاگری ای که نه ستون حقوقی دارد، نه پشتوانه تاریخی، نه تأیید شاهد دوم، نه سند مکمل، نه بررسی افراد ماهر و کارشناسی. این عمل، مطابق قانون، جرم مشهود است: نشر ادعای غیرمستند، ایجاد تشویش اذهان عامه، تحریف حقیقت، و جعل سند. تلخ تر از همه، این که ملکیار ویدیو را زمانی نشر کرد که گلالی داود دیگر زنده نبود. این کار، از نظر حقوقی، سقوط کامل اعتبار شهادت است. وقتی شاهد زنده نیست، امکان تأیید و رد از بین می رود، و وقتی امکان تأیید نیست، شهادت، از نظر قانون، «باطل» است.

ملکیار این را می دانست، اما دانسته و عامدانه، ویدیو را پس از مرگ شاهد نشر کرد. این کار، نه اشتباه، بلکه خیانت حقوقی است. خیانتی که باید پاسخ داشته باشد.

ویدیویی که ملکیار نشر کرده، خام نیست، بلکه ادیت شده، پریشده، و دستکاری شده است. این عمل، مطابق قوانین رسانه و جزا، جعل سند محسوب می شود. هرگونه تغییر در صوت و تصویر شهادت،

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې ټولې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

بدون حضور شاهد، بدون تأیید رسمی، بدون ثبت قانونی، جرم است. ملک‌یار با این عمل، نه فقط حقیقت را تحریف کرده، بلکه مرتکب جعل مشهود شده است. این ویدیو، نه روایت یک زن، بلکه محصول ذهن بیمار یک مرد است که می‌خواهد تاریخ را مطابق عقده‌های شخصی‌اش بازنویسی کند.

کودتای نکبت و ننگین ثور یکی از مستندترین وقایع تاریخ افغانستان است. هزاران صفحه سند، صدها هزار شاهد زنده، ده‌ها تحقیق مستقل داخلی و خارجی، گزارش‌های رسمی، آرشیف‌های دولتی و بین‌المللی، همه ثابت کرده‌اند که قتل سردار محمد داود خان و خانواده محترم، کار کودتاچیان خلق و پرچم بود.

ملک‌یار اما با یک ویدیوی مبهم، می‌خواهد این حقیقت را وارونه کند. این کار، نه فقط تحریف تاریخ، بلکه توهین به خون‌جانباخته‌گان است. در حقوق، «تحریف تاریخ» و «نشر ادعای غیرمستند» از جرایم سنگین محسوب می‌شود. زیرا این اعمال، امنیت روانی جامعه را مختل می‌کنند و اعتماد عمومی را می‌سوزانند.

پرسش جدی این است: انگیزه ملک‌یار چیست؟ آیا خصومت خانوادگی، توقیف بودن یکی از اعضای خانواده‌اش، یا عقده دیرینه با نام داود خان، در نشر این ادعا دخیل بوده است؟

زمان نشر و محتوای ویدیو، دقیقاً با چنین انگیزه‌ای همخوانی دارد. این ادعا، نه از سر حقیقت‌جویی، بلکه از سر انتقام‌جویی و کینه‌توزی است. در حقوق، «انگیزه شخصی در نشر ادعای غیرمستند» یکی از عوامل تشدید مجازات است. ملک‌یار باید بداند که نشر ادعای غیرمستند، مطابق اصول حقوقی، قابل پیگرد است.

او باید پاسخگو باشد، پیش از آن که بیشتر رسوا شود. قانون حق دارد یخن او را بگیرد. قانون حق دارد او را به میز عدالت بکشد. قانون حق دارد او را به زندان بفرستد. در حقوق جزا، «نشر ادعای غیرمستند» و «تحریف تاریخ» از جرایم قابل مجازات‌اند، مجازاتی که می‌تواند شامل حبس، جریمه نقدی، محرومیت از فعالیت رسانه‌ای، و ثبت جرم در سابقه کیفری باشد.

ملت افغانستان، ملتی است که پنجاه سال قربانی شده، اما هنوز شرف دارد. انسان‌های شریف و شرافتمند، در برابر جعل‌کار آرام نمی‌نشینند. پرده از چهره نکبت این ریاکار و کینه‌توز برمی‌دارند. این ملت، اجازه نمی‌دهد که یک مرد عقده‌ای، تاریخ را به نفع خود تحریف کند.

داود ملک‌یار، ریاکار است، زیرا حقیقت را پنهان می‌کند. کینه‌توز است، زیرا عقده شخصی را به تاریخ

تزیق می کند. جعلکار است، زیرا سند را دست کاری می کند. این کلمات، نه توهین، بلکه توصیف اند، توصیف دقیق رفتار یک مردی که حقیقت را قربانی عقده کرده است.

روزی خواهد رسید که زمینه محاکمه این مرد فراهم شود. روزی خواهد رسید که او را به میز عدالت بکشانیم. روزی خواهد رسید که او در برابر قانون بایستد. روزی خواهد رسید که حقیقت، این جعلکار را رسوا کند. عدالت، دیر می آید، اما می آید. و داود ملکیار باید بداند که این ملت، در برابر جعل و دروغ، سکوت نمی کند.

داود ملکیار، با نشر یک ویدیوی جعلی، نه فقط تاریخ را تحریف کرده، بلکه به شرف یک ملت توهین کرده است. او باید پاسخگو باشد. او باید محاکمه شود. او باید بداند که ملت افغانستان، در برابر جعل و دروغ، آرام نمی نشیند. این متن، نه انتقام است، نه کینه، این عدالت است. عدالت یعنی هرکس پاسخ کار خود را بدهد. عدالت یعنی خون بی گناه بی صاحب نماند. عدالت یعنی وطن از چنگال کسانی که آن را دریدند، بیرون کشیده شود.

داود ملکیار باید در برابر حقیقت بایستد، باید در برابر قانون بایستد، باید در برابر عدالت بایستد. و این ایستادن، نه انتخاب او، بلکه اجبار قانون است. عبرت باید باشد، عبرت برای هر جعلکار، هر دروغ گو، هر تحریف گر، هر کسی که می پندارد می تواند تاریخ را با قیچی عقده ببرد. این متن، اعلامیه عدالت است، اعلامیه شرف است، اعلامیه ملت است.



۰۵/۰۹/۲۰۲۳ عبید ملکیار

نامه یی از عبید جان ملکیار، برادر مرحومه گلالی جان داود ملکیار

نامه یی از عبید جان ملکیار، برادر مرحومه گلالی جان داود ملکیار که امروز بدستم رسید تا به صفحه ام پست کنم داود سلام، من این ایمیل را به نیابت از برادران و خواهران خود برایت مینویسم تا برایت اظهار بداریم که ما نهایت درجه از نشر مطالب تان در فیسبوک و غیره رسانه ها وحشت زده شده ایم. تو خود را مسئول دانسته ای تا به موضوعات مربوط کودتای سال ۱۹۷۸ که در ارگ ریاست جمهوری واقع شد روشنی بیاندازی. در نشرات خود مکرراً مطالب را از زبان خواهر مرحوم گلک نقل قول کرده ای. گلک خانم عمر جان پسر شهید رئیس جمهور داود خان بود. خودت اینکار را بدون مشوره با ما، برادران و خواهرانش کرده ای.

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالپړلو مخکې په خبر و لولئ

حاجت به بیان نیست که ما در باره این حماسه غمناک و وقایع آنروز وحشتناک بیشتر از خودت آگاهی داریم. برای معلومات بیشتر خودت، بعد از آنکه گلک و پدرم در سال ۱۹۷۹ از تهران به ایالات متحده آمدند، گلک بیشتر از یکسال در خانه من زندگی کرد.

در آنزمان زخم هایش هنوز تازه بود و حافظه اش در باره کودتا واضح و روشن. من از موصوفه عیناً همان سوالات را نمودم که خودت در مضامین ات ذکر نموده ای. بهمین دلیل است که من با آنچه خودت ارائه نموده ای اتفاق نظر ندارم. اینرا هم باید اذعان نمایم که حجم کاری را که خودت در عمق و وسعت این موضوع نموده ای بهت آور است. نوشته های خودت با وصف آنکه جزئیات زیاد دارد حاوی غلطی و اشتباهات زیاد هم است. با کمال تأسف آخرین نتیجه گیری خودت در باره اینکه رئیس جمهور شهید خودکشی کرده است برای ما، بازماندگان گلک، اهانت کننده و رنجاننده است. خودت بخوبی آگاه استی که خودکشی در فرهنگ ما علامه بزدلی است. حقیقت اینست که رئیس جمهور توسط عساکر رژیم کودتاچی کمونستی به شهادت رسید.

درینجا به ذکر آنچه گلک ۴۳ سال قبل به من گفت می پردازم: «چون صبح دمید، اغتشاشگران موانع قصر ریاست جمهوری را شکستاندند و محافظین قصر را خلع سلاح نمودند. این هنگامی بود که تمام مردان بشمول شوهرم به قتل رسیدند. من و دیگر زخمیان در روی زمین افتاده بودیم. من به وضاحت بخاطر دارم که بابا داود پیشانی هر یک از پسران خود را بوسید و در حالیکه کلشنیکوف بدست داشت بطرف میز خود رفت. اغتشاشگران به صوب تالاری که ما قرار داشتیم پیش آمده بودند و از عقب در از رئیس جمهور تقاضای تسلیمی مینمودند. رئیس جمهور داود با صدای بلند جواب داد «رهبر تاترا پیش من بیاورید!» درین هنگام اغتشاشگران درک کردند که زنده گرفتن رئیس جمهور به آسانی و بدون مقاومت امکان ندارد، لهذا آنها با رگبار گلوله از ماشیندار به تالار هجوم آوردند. اغتشاشگران بدون تعقل گلوله باران را شروع نمودند و رئیس جمهور را به قتل رساندند.» برای اثبات هر چه بیشتر موضوع تسلیمی و خودکشی یا برخلاف آن شهادت و دلاوری رئیس جمهور، پیشنهاد مینمایم تا ویدیو کلیپ را تماشا کنید که خبرنگار روسی دو نفر از عساکریکه عملاً اقرار به قتل داود خان کردند مصاحبه نموده است.

این مصاحبه در بین ارگ ریاست جمهوری و بعد از انجام کودتا صورت گرفته است. ویدیوی دیگری که موئید همین موضوع است شهنواز تنی را نشان میدهد که میگوید: «من به کوماندو های خود فرمان دادم تا از بین ببرند» چون من اطمینان دارم که خودت از تمام این اسناد با خبر استی، لهذا سوال میکنم که انگیزه خودت ازینکه سردار فقید را ترسو جلوه بدهی چه است.

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خبر و لولئ

آيا ناشی از نفرت شخصی که با آن بزرگمرد داشته ای میباشد؟ يا اینکه این پروژه بصورت کل بجهت کسب شهرت در اجتماع و نام کشیدن در رسانه ها است؟

صرف نظر از آنکه چه مقصد داشته ای، خودت توانسته ای که زخم کهنه را دوباره باز کنی و تعداد کثیری از مردم به شمول خودم، کسیکه همیشه از حضورت لذت میبردم، دوباره داغدار کنی و به غم بنشانی. ما امیدواریم که این مقاله را از فیسبوک برداشته ... و حد اقل کار مثبت درین راستا بنمائی.

۰۵/۰۹/۲۰۲۳ عبید ملکیار

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالېږلو مخکې په ځير و لولئ